

کلینر و تایپیست: RADICAL X

مترجم و ویراستار: Alpm s



کازاکازاکا

چپتر ۳۰۷: خیلی وقته



ولی دیروز که
همه به منطقه
های اضطراری
منتقل شدن که...



یه زندانی فراری
دیروز به
نگهبانی جنوبی
حمله کرد

باید تقس هایی که
هنوز ول کن نیستن
رو از اینجا طرد کنیم.
بیا سریع کار رو تموم
کنیم

کسایی که
موندن فقط...

... یه مشت
کله شق حرف
گوش نکنن

دانش آموز قهرمانی سال
سومی از آکادمی کسویوسو

تانامی ناکاگامه
گردن لاکپشتی

دانش آموز قهرمانی سال
سومی از آکادمی کسویوسو

یوشیشدو
گره

کرینج بازی
در نیار

کاین شرکای دشوار رو
با یه لبخند دل
نشینین جل میکنم،
درست مثل چوک
سنسی

این دوتا توی والیوم دوازده بودن! باکوگو با یو دست نداد

عه، یه لحظه
صبر کن، یو!

توی ساختمان
تاگوچی جمع شدن،
پس بزن بریم!

به هرحال، بیا
این قضیه رو
تمومش کنیم



فکر کردید
میتونید غلط
خاصی بخورید؟

بعد، وقتی همه چپیدن
تو اون مدرسه ه، اگه
یکی از اون شیطان
صفت ها به اونجا حمله
کرد چی؟



چشماممون
دیگه کامل
باز شده



وقتی اومدن فروشگاه
من رو بززن، به اون
مادر*** ها نشون دادم
چند مرده حلاجن

اگه فقط دنبال
پول و اشیاء
قیمتی بودن بحث
فرق داشت.

ولی زندانی های
فراری و نومو ها یه
داستان دیگه ان
برای خودشون



یه مرد باید از شهرش
خودش دفاع کنه!

لازم نکرده
جونمون رو
بندازیم تو دست
آدم های دیگه



... خب، حتی پرو ها هم جوری سلاخی میشن که اصلا انسانی نیست



همین دیروز یکی از بچه ها یه کشتار دسته جمعی رو دیده بود که خیلی دور از اینجا هم نیست.

وقتی مقابل یکی هستی که روحشون با خشونت ارضا میشه...

شما هیرو ها خای خودتون رو دسته بالا میگیرید و فکر میکنید الان میتونید مردم رو مجبور کنید به روی خودشون نیارن شرایط رو و زندگیشون رو بکنن



همونطور که گفتم... امیدی به هیرو ها نیست. فقط خودمون

بین، نمیتونم باهات چشم تو چشم بشم بچه، برو خونتون

دورانی که میتونستیم به هیرو ها تکیه کنیم سر اومده

واضح هست که ما توی مبارزه از شماها با تجربه تریم.

عه جدا؟ نگاه بین این زبون پنبه ایی که داری چجوری گردنمون رو بریده

لطفا بزارید کمکتون کنیم





ایستاد و با چشم
های خودش
دیدتش! داره صاف
میلا سمت شما!

باو وقت
نمیکنیم
بهتون
برسیم...

... پس سریع
فرار کنید!!



داره میادا!



یه فرارما!

بیاید بازی!!

هوش!





فقط شما
دو تایی؟

باو کهه که!
رفیق مفیق
ندارید اینورا؟



خودت
چم، یوب؟



مردم هم
متفرق کن!



تا تمام! برو
به سنسای
برسون که
کمک لازمیم!



نمیتونید جلوی یه ویلنه
تشنه به خون وایسید!
باید فرار کنید





فقط نمیخوایم
بمیرید!



چه حیف شد
تو رئیسمون
نیستی!



یووو!





بیخیال...
همش همین
بود؟



یه هیرو رو
صاف کن نه تا
دیگه اشون
میریزن سرت
دمش! ضرب
المثله چرت
نمیگفت!



فایده ای
نداره آقا
کوچولو.

عینهو زره
دوازده هزار
لایه ماهیچه
دورم هست
با این لوس بازی
ها عمرا قدرتت
به جسم اصلیم
نمیرسه



که اینطور!

نهایت قدرتم
باعث میشه
تا مدتی
حالت تنوع
داشته باشم
ولی!!

بعضی وقتا
مجبوری کاری
که باید رو بکنی

اگه این دوره زمونه
یه چیز باشه که
هیرو ها لازم داشته
باشن...

اون روحیه سخته که
نه کج بشه نه بشکنه

ارعهشه

زمین

وقتی کارم
بلهات تموم
بشه مغزت دیگه
میلک شیک شه!

در اون
صورت

... باید
زره ام
رو بزرگ
تر کنم



وقت شه...

... حموم خون
درست کنیم!



بریم بیه
رو نبات
بریم!!



یو! نه!!



ماهیچه ای...



پس بگو چرا
کوسه ی
چهارمی...

...ول کنم
نبود

پ.ن: پس بگو چرا قدرت ه تشخیص خطر و ول کن نبود

هوی هوی!
من این صداری
میشناسم...

